

واکنش هادر آمریکا به ادعای ترامپ درباره انصراف از حمله به ایران

پس از اینکه روز جمعه (۳۱ خرداد ماه) ترامپ طی مصاحبه‌ای اعلام کرد که او ۱۰ دقیقه مانده به آغاز حمله نظامی محدود به ۳ نقطه در ایران، از این اقدام منصرف شده و جلو حمله را گرفته است، واکنش‌های زیادی در رسانه‌ها و محافل سیاسی آمریکا به این اظهارات ترامپ نشان داده شد.

بنابر ادعای ترامپ او روز پنج‌شنبه دستور حمله محدود به ۳ نقطه از ایران را در واکنش به سرنگون کردن یک پهپاد آمریکایی از سوی نیروی سپاه بر فراز تنگه هرمز صادر کرده اما چند دقیقه پیش از حمله و پس از پرسیدن تلفات جانی این حمله آمریکا از آن انصراف داد.

جان برنان رییس سابق سیا که از منتقدان پروپاقرص ترامپ محسوب می‌شود، جمعه شب در مصاحبه‌ای با شبکه تلویزیونی ام‌اس‌ان‌بی‌سی آمریکا، اقدام ترامپ را تحسین کرد و گفت: من ترامپ را بابت این اقدام تحسین می‌کنم نه صرفاً به خاطر اینکه از یک واکنش غیرمتناسب که منجر به مرگ بیش از ۱۰۰ نفر می‌شد جلوگیری کرد، بلکه به خاطر اینکه این اقدام بسیار خطرناک ممکن است منجر به زنجیره‌ای از درگیری‌های نظامی شود که به تمام منطقه سرایت کند.

این مقام سابق آمریکایی همچنین از اینکه ترامپ این تصمیم را با وجود افسراد تندرو و جنگ طلبی چون جان بولتون و مایک پمپئو گرفته است، شایسته تحسین دانست و تأکید کرد مقابله نظامی با ایران به نفع هیچ طرفی به‌ویژه ایالات متحده آمریکا نیست. ویلیام کوهن وزیر دفاع اسبق آمریکا نیز این اقدام ترامپ را تحسین کرد، اما گفت: این کار ترامپ باعث می‌شود دشمنان مادر آینده تهدیدات مادر زمین به خورد نظامی را جدی بگیرند. این مقام سابق آمریکایی گفت: بخش خوب ماجرا این است که ترامپ جلوی یک برخورد نظامی را گرفته است اما بخش بد ماجرا این است که او در ۱۰ دقیقه آخر مانده به حمله به یکباره نظر خود را عوض کرده است و این مساله سئوال‌ها و ابهام‌هایی را درباره مکانیزم و شیوه تصمیم‌گیری در کاخ سفید ایجاد می‌کند.



برخی مقامات سابق نظامی ایالات متحده آمریکا هم در این باره اظهار نظر کرده‌اند، از جمله در یادار جیم استراودیس، از فرماندهان سابق نیروی دریایی آمریکا در مصاحبه با رادیو ملی آمریکا گفته است:

لغو یک حمله هوایی در دقایق آخر کم سابقه است. در گذشته مواردی داشته‌ایم که برای مثال حمله موشکی پیش از شلیک متوقف شده و علت آن مواردی مثل حرکت کردن هدف یا نیاز به تعمیر تسلیحات بوده اما من موردی به یاد ندارم که حمله هوایی تنها چند دقیقه قبل از اجرا - به دستور صادر کننده حمله - متوقف شده باشد... این اقدام ممکن است این پیام را به جامعه جهانی بفرستد که آمریکا در چنین مواردی دودل و مردد است.

برخی نیز به صورت غیرمستقیم ترامپ را به دروغ‌گویی و بلوف زدن درباره صدور دستور حمله به ایران متهم کرده‌اند، از جمله این برداشت پس از اظهارات نانس پلوسی رییس دموکرات مجلس نمایندگان آمریکا درباره جلسه مشترک کنگره و کاخ سفید پس از اجرای ساقط کردن پهپاد آمریکایی از سوی ایران، قوی شده است.

پلوسی نیز از شنیدن خبر انصراف از مقابله نظامی با ایران ابراز خوشحالی کرده است اما در عین حال تأکید کرده در جلسه مشترک کاخ سفید هیچ حرف و بحثی درباره طرح حمله به ایران صورت نگرفته است.

معنای این اظهارات پلوسی از دو حالت خارج نیست: ۱- ترامپ خودش را نه بدون اطلاع دادن به مقامات کنگره تصمیم به حمله به ایران گرفته و این تصمیم را حتی در جلسه مشترک در کاخ سفید با هبران کنگره از آن‌ها پنهان کرده است.

۲- ترامپ مانند بسیاری از موارد مشابه در گذشته دروغ می‌گوید و سعی در داستان‌سازی برای توجیه عدم واکنش به اقدام ایران را دارد. برخی چهره‌های تندرو و جنگ طلب جمهوری خواه نیز به صورت تلویحی از ادعای ترامپ مبنی بر منصرف شدن از حمله به ایران در دقایق آخر سرخورده و ناراحت شده‌اند.

ادامه اعتراض به لایحه استرداد مجرمین در هنگ کنگ یاد آور یک نکته است؛

شکندگی نظام سیاسی چین



سید محمد میرزا محمدزاده

یک‌شنبه گذشته (۲۶ خرداد ماه) به گفته ترتیب دهندگان تظاهرات، نزدیک به ۲ میلیون نفر در یکی از شهرهای چین در خیابان‌ها گرد آمدند تا به لایحه استرداد مجرمین که به عقیده معترضان استبداد چین تلقی می‌شود، اعتراض کنند. اگر این موضوع صحت داشته باشد، از هر چهار هنگ‌کنگی، یک نفر در خیابان در حال اعتراض به مداخله جویبی‌های چین بود. هر چند که سخت‌انگیزترین پیش‌بینی کنیم مسیر آینده این ماجرا به کدام سو می‌رود، این داستان مسئله‌ای را بر جسته می‌کند که ما تمایل به فراموشی آن داریم؛ مسئله شکندگی نظام سیاسی چین.

فریدز کریا، در یادداشتی برای روزنامه آمریکایی واشنگتن پست، با بیان این مقدمه به تشریح تأثیر اتفاقات اخیر در هنگ کنگ بر نظام

سیاسی چین پرداخت و نوشت: خیزش اقتصادی و اجتماعی چین چیزی شبیه به معجزه بود؛ یک مثال کاملاً ساده از موفق‌ترین نمونه توسعه اقتصاد در تاریخ بشر. تولید ناخالص ملی این کشور در طول ۴۰ سال اخیر، به‌طور متوسط سالیانه ۱۰ درصد رشد داشته و بیش از ۸۵۰ میلیون نفر را از فقر نجات داده است. این آمار، بزرگ‌ترین رقم کاهش فقر در کل سیاره‌خاک به‌شمار می‌رود. فقر در کل سیاره‌خاک به‌شمار می‌رود. فقر در کل سیاره‌خاک به‌شمار می‌رود. فقر در کل سیاره‌خاک به‌شمار می‌رود.

چندین دهه تحقیقات سیاسی - علمی نشان داده که ارتباط نسبتاً محکمی بین رشد اقتصادی و دموکراسی وجود دارد؛ همچنان که کشورها به مدرن کردن اقتصاد خود مبادرت می‌ورزند، عموماً آن‌ها وادار به تغییر جوامع خود در نهایت نظام‌های سیاسی خود برای بازتر کردن، پاسخگو ساختن و دموکراتیک کردن آن می‌شوند. البته همواره مثال‌های متمایزی نیز در این رابطه وجود دارد؛

همچون کشورهای نفت‌خیز که عمدتاً ثروت‌داری خود را بدون نیاز به مدرن ساختن جوامع، به دست می‌آورند. با این حال، بیشتر تحقیقات اخیر این قانون بنیادین را اثبات می‌کنند: هر چه شماغنی تر شوید، شانس بیشتر دموکراتیک شدن افزایش می‌یابد.

قبیل از چین، تا همین اواخر، اصلی‌ترین استثنا تئوری مدرنیزاسیون، سنگاپور بود، یک کشور کوچک که از دید دیگران بیشتر شبیه یک گلخانه بود و رهبران بسیار مستعدی داشت که صرفاً با اندکی جهانی شدن پیشرفت کرد. با این حال چین همچنان بدون هیچ‌گونه توسعه دموکراتیک، رو به پیشرفت گذاشت. در واقع در سال‌های اخیر، نظام سیاسی این کشور سرکوب‌گر تر شد و میزان سانسور افزایش یافت و رئیس‌جمهور این کشور با محدودیت‌های برای خودش مواجه شد.

توضیح مسیر تقریباً متمایز چین به سمت ثروت، بدون قدم گذاشتن در مسیر دموکراسی چیست؟ یوئن

در عصر پولیسیسم و مقابله با نخبه‌گرایی، چین همچنان از سوی کادری از نخبگان دور از مردم رهبری می‌شود؛ حزب کمونیست چین با وعده رشد اقتصادی همچنان قدرت و ابزار قدرت را در دست گرفته است

یوئن آنگ، از دانشگاه میشیگان این موضوع را به بحث گذاشته است که طی چند دهه گذشته، چین نسبت به توسعه ویژگی‌های دموکراتیک در بستر استبدادگرایی گام برداشته است. وی اشاره می‌کند که اصلاحات بروکراسی اداری عظیم این کشور را که زمانی چرخش غول‌پیکر بدون حرکت بود، چابک، شفاف و پاسخگو کرد. آنگ توضیح می‌دهد که این تغییرات باید به عنوان نوعی از اصلاحات سیاسی تلقی شوند.

آنگ و دیگران به نظام سیاسی به‌شدت شایسته‌سالار چین اشاره می‌کنند که در آن مقامات در آزمون‌ها، ارزیابی‌ها و نتایج معیارهای عینی همچون رشد اقتصادی مورد محک قرار می‌گیرند. مدافعان چنین سیستمی عنوان می‌کنند که این نظام به‌شدت رقابتی، کیفیت و پاسخگویی را تضمین می‌کند. تحقیقاتی همچون تحقیق دانیل بل از دانشگاه شاندونگ، عنوان می‌کنند که چنین مدل سیاسی بر اساس اعتماد و اعتقاد در کلاس حکومتی تکیه می‌کند که ویژگی کلیدی جوامع کنفوسیوسی است.

با این حال همچنان جای تعجب باقی است؛ بروکراسی خوب الزاماً کار کرد دموکراسی ندارد؛ دموکراسی اساس نظامی است که بر توانایی انتخاب، رهبران و یابگر کار کردن آن‌ها از قدرت تمرکز دارد. از آنجا که صحبت از جوامع کنفوسیوسی به میان آمد، وقتی مادر مورد مباحث فرهنگی می‌شویم، نباید هنگ‌کنگ و تایوان را فراموش کنیم؛ هر دو جوامع چینی هستند که پیوستگی قوی با دموکراسی دارند و این موضوع طی چند هفته اخیر به شدت آشکار شده است.

ایالات متحده هم اکنون در چندین جنبه مختلف با چین در حال نزاع است. در چنین نوع از کشمکش‌های استراتژیکی، آمریکا همواره این اشتباه را دارد که رقبایش را بسیار قوی‌تر تصور می‌کند؛ مثلاً در مورد شوروی سابق فکر کنید. اولاً که اصلاً مشخص نیست چین یک رقیب در مقیاس جنگ سرد به‌شمار رود، اگر دقیق‌تر به این موضوع نگاه کنیم، در بهترین حالت چین یک رقیب معمولی است. مهم‌تر از آن هم چنان که چین نقاط قوت عالی دارد، ضعف‌هایی نیز دارد.

وضعیت شی‌جین پینگ، رئیس‌جمهور چین را در نظر بگیرید. رشد در چین در چند سال گذشته همواره رو به کند شدن بوده است. از آنجایی که دولت‌های محلی و

چندین دهه تحقیقات سیاسی - علمی نشان داده که ارتباط نسبتاً محکمی بین رشد اقتصادی و دموکراسی وجود دارد؛ همچنان که کشورها به مدرن کردن اقتصاد خود مبادرت می‌ورزند، عموماً آن‌ها وادار به تغییر جوامع خود می‌شوند

شرکت‌های دولتی در حال گرفتن وام‌های گسترده هستند، این وضعیت رو به وخامت گذاشته است. به دلیل سیاست تک فرزندی، آینده این کشور با کمبود کارگران مواجه است (این موضوع خود نمونه‌ای از مخاطرات دیکتاتوری است - یک اشتباه سیاست‌گذاری هدایت شده که اجرایی بی‌رحمانه داشت و نتیجه‌ای نیز در برداشت).

اما بدتر از همه، چین نظام سیاسی دارد که با فشار واقعی مواجه است. در عصر پولیسیسم و مقابله با نخبه‌گرایی، چین همچنان از سوی کادری از نخبگان دور از مردم رهبری می‌شود؛ حزب کمونیست چین با وعده رشد اقتصادی همچنان قدرت و ابزار قدرت را در دست گرفته است. نظام حاکم از سیستم سانسور گسترده و متوسط و نظارت دقیق پیچیده و رو به فزونی برای رصد مردم خود استفاده می‌کند. این کشور با جامعه‌ای روبرو است که به صورت ژنتیکی یافرنگی با جوامع تایوان و هنگ‌کنگ متفاوت نیست، جایی که میلیون‌ها نفر به صراحت عنوان می‌کنند که تنها یک دولت خوب یارو کراسی چابک نمی‌خواهند، بلکه آن‌ها به دنبال دموکراسی هستند. همچنین شاید برای مردم در نهایت مشخص شود که جنگ تجاری با ایالات متحده یکی از کوچک‌ترین مشکلات شی باشد.

بنشید که منجر به اعتراضات شد و دوم با نحوی برخورد با معترضان.

در شب دوم اعتراضات، جمعه شب (۳۱ خرداد ماه) مردم دوباره به خیابان‌ها آمدند و با حضور گسترده پلیس و تعدادی آمبولانس که در حواشی خیابان توقف کرده بودند، مواجه شدند؛ مردم این بار برای کسانی که بینایی خود را در اعتراضات پنجشنبه (۳۰ خرداد ماه) از دست دادند، به خیابان‌ها آمده بودند. بسیاری از معترضان چشم‌بند قرمزی را با نوشته ۲۰ در صد، که اشاره به بیست درصد از اضی اشغال شده گرجستان دارد، بر چشم‌های خود زده بودند.

اناما چارلز یکی از معترضان شب جمعه (۳۱ خرداد ماه) گفت اگر مردم دیروز اعتراضی نداشتند کل کشور هم اکنون بیرون آمدند، چرا که چند جوان تقریباً تا سر حد مرگ پیش رفته بودند.

نودیا در ادامه افزود که معترضان همچنین برای بیان عدم رضایت خود از دولت و همچنین افزایش رشد انتقادات نسبت به نخبگان سیاسی کشور به خیابان‌ها آمده بودند. از سوی دیگر نیز یک نظر سنجی در ماه دسامبر (آذر ماه) ۲۰۱۸ از طرف نهاد دموکراتیک ملی انجام شد، نشان داد که تنها ۲۹ درصد مردم گرجستان بر این باورند که کشور در مسیر درستی در حرکت است.



نهایت یک جنگ تلخ با روسیه شد. از آن زمان روسیه سربازان خود را در دو منطقه ایخاز یا گرجستان و جنوب اوستیا نگه داشته است و تقریباً ۲۰ درصد خاک این کشور را به اشغال خود در آورده است. گاوریلف نماینده روس پیش‌تر از استقلال این منطقه تحت منازعه دفاع کرده بود که این استقلال از سوی تفلیس و یا جوامع بین‌المللی پذیرفته نشده است. ذکر با کوشان اشوبلی عضو حزب رویای مجلس گرجستان که این دیدار را ترتیب داده بود نیز روز جمعه (۳۱ خرداد ماه) از سمت خود استعفا کرد.

چیانودیا، استاد سیاست در دانشگاه ایلیایی تفلیس گفت: دولت در این رویداد دوبار به پای خود شلیک کرد. در ابتدا با اجازه دادن این که نماینده روس در جایگاه سخنگوی مجلس

گزارش

سیاست‌های مداخله جویانه روسیه در دسر شد؛

شورش در پارلمان گرجستان

خدیجه علامه زاده

در طی چندسال گذشته، حزب حاکم گرجستان بانام رویا، توانست طیفی از تعادل را بین اشیاق عمومی به سمت غرب و همچنین تمایل درونی دولت به سمت کشور همسایه، روسیه، که یک پنجم خاک این کشور را به اشغال خود در آورده، ایجاد کند. اما تصمیم اجازه به نماینده مجلس روسیه برای نشست چند لحظه‌ای در جایگاه سخنگوی مجلس گرجستان در روز پنجشنبه (۳۰ خرداد ماه) منجر به تخطی از این تعادل شد و اعتراضات را به مدت دو شب برانگیخت.

پس از آن که سرگی گاوریلو، یکی از نمایندگان و عضو حزب کمونیست روسیه، در جریان دیدار سیاسی از کشورهای عمده‌ها ار تودکس نشست، در جایگاه سخنگوی مجلس گرجستان نشست، نزدیک به ۱۰ هزار نفر روز پنجشنبه (۳۰ خرداد ماه) جلوی مجلس گرجستان در اعتراض به این حرکت گرد آمدند. روز جمعه (۳۱ خرداد ماه) با تداوم اولین شب از خشونت‌ها

مارک اسپر نامزد پست وزارت دفاع آمریکا شد

نیویورک تایمز، دونالد ترامپ، مارک اسپر دبیر سابق ارتش آمریکا را که یکشنبه هفته گذشته به عنوان جانشین پاتریک شاناهان سرپرست پنتاگون کرده بود، رسماً به عنوان نامزد پیشنهادی خود برای تصدی وزارت دفاع آمریکا انتخاب کرد. اسپر که پیش از انتخاب به عنوان سرپرست وزارت دفاع، سمت دبیر ارتش (عالی‌ترین مقام غیر نظامی در ارتش ایالات متحده) را بر عهده داشت، هم کلاسی مایک پمپئو وزیر خارجه دولت ترامپ در دانشگاه

رئیس‌جمهور آمریکا، مارک اسپر را که پیش از این به عنوان سرپرست وزارت دفاع این کشور تعیین کرده بود، به عنوان گزینه پیشنهادی خود برای وزارت دفاع به مجلس سن معرفی کرد.

به دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا عصر جمعه به وقت واشنگتن گزینه پیشنهادی خود برای سمت وزارت دفاع (پنتاگون) را تعیین و او را برای گذراندن روند تأیید صلاحیت به مجلس سنای این کشور معرفی کرد. به نوشته



کنم پاتریک شاناهان معاون بسیار مستعد وزارت دفاع، از روز ۱ ژانویه ۲۰۱۹ (۱۱ دی ماه) عنوان سرپرست وزارت دفاع را بر عهده می‌گیرد. او فوق‌العاده خواهد بود.